



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

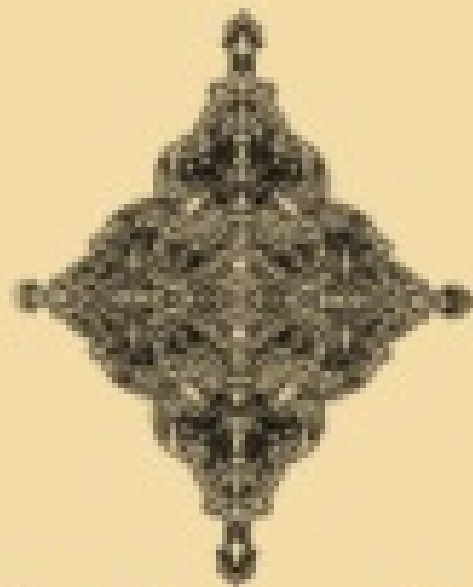


عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# زُيَّائِلٌ وَمِثَالٌ

( للنراقي )



أحمد المولى النراقي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رسائل و مسائل (للنراقی)

نویسنده:

ملا احمد نراقی

ناشر چاپی:

نور محبت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	رسائل و مسائل (للنراقی)
۶	مشخصات کتاب
۶	کتاب الحج
۶	س ۱:
۹	س ۲:
۹	[۱]
۹	[۲]
۱۰	س ۴:
۱۰	س ۵:
۱۰	س ۶:
۱۱	س ۷:
۱۱	س ۸:
۱۱	س ۹:
۱۱	س ۱۰:
۱۲	س ۱۱:
۱۲	س ۱۲:
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## رسائل و مسائل (للنراقی)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵-۱۲۴۵ق.

عنوان و نام پدید آور: [برگزیده‌های از] رسائل و مسائل / احمد نراقی.

مشخصات نشر: تهران: نور محبت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲ ج. در یک مجلد (۹۲۴ ص.).

شابک: ۴۶۰۰۰۰ ریال ۹-۸۷-۶۸۰۲-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: اسلام -- مسائل متفرقه -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

رده بندی کنگره: BP۱۱/ن۴۶ر۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۲۳۸۱

### کتاب الحج

#### س ۱:

شخصی از اهل کاشان وصیت نموده که حجه بلدی به جهت او استیجار شود مطلق و قید شرطی نکرده، و وصی معینی قرار داده، و بعد از وفات او وصی شخصی را استیجار کرده که حج به جا بیاورد، و در ضمن عقد اجاره شرط شد که چنانچه عائقی از حج رو بدهد که نتواند حج کند تا سه سال هر سالی که میسر شود حج به عمل آورده و دیگر اصلاً ملتفت به این نشده که هر گاه دیر برسند حج افراد بکنند یا نه، یا بعد از احرام به عمره تمتع اگر وقت ضیق باشد عدول به افراد بشود یا نه، و چنان چه التفات می شد موصی هر اذنی که شرعاً جائز بود می داد، و اجیر روانه مکه، و نظر به ضیق وقت و علم به عدم تمکن از حج تمتع احرام به حج افراد بسته و حج افراد به عمل آورده و مراجعت نموده، آیا این حج مجزی است و اجیر مستحق گرفتن تنخواه است یا نه، و اگر مجزی نباشد بخصوص قطع مسافتی که کرده چه باید کرد؟ و شرط سه سال که شده به این وضع شده که اجیر گفته که: اگر در این سال میسر نشود در مکه خواهم ماند تا حج بعمل بیاورم، و اجیر هم حال می گوید که در خاطر من نیست که در حین صیغه قید حج تمتع شده، اما مظنون است.

ج:

در خصوص مطلق گفتن موصی ظاهر آن است که وصیت کسانی که در امثال

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۰

این ولایات که فرض ایشان حج تمتع است هر گاه مطلق باشد راجع به حج تمتع می شود، خصوصاً هر گاه مستطیع بوده و حج نکرده، و تعارف حج تمتع و وجوب آن بر موصی قرینه اراده حج تمتع است، و از برای وصی استیجار غیر از حج تمتع در این صورت جایز نیست و همچنین شیوع و تعارف و وجوب حج تمتع منصرف می کند عمل وصی را به حج تمتع و این سخن که در وقت صیغه خاطر من نیست که قید تمتع شده فائده ندارد بلکه واجب بر اجیر حج تمتع می شود و از برای وصی هم استیجار غیر از آن

جایز نیست و اگر فرض کنیم که منصرف به تمتع نشود پس عمل غیر معین خواهد بود و به این جهت در صحت صیغه استیجار تأمل خواهد بود، بلکه ظاهر عدم صحت آن است، و اما در خصوص این که هر گاه وقت تنگ شود و اجیر حج افراد کند آیا مجزی است یا نه، هر چند تصریحی از فقهای که حال کتب ایشان نزد حقیر ظاهر است به نظر نرسیده، و لیکن احتمال می‌رود که چون مطلق حکم کرده‌اند که هر گاه وقت بر تمتع تنگ شود عدول به افراد می‌کند، نائب نیز در آنجا مندرج باشد و به این جهت دیگر نائب را علی حده ذکر نکرده باشند، هم چنان که طریقه ایشان است که هر جزئی جزئی را ذکر نمی‌کنند، و مؤید این است آن چه در کتب فقهاء است در بیان حکم نائب مصدود و محصور، و آن که بمیرد و آن که دو موقف را درک نکند و اگر چنانچه این مسأله نیز مندرج در مسأله عدول نمی‌بود بخصوصه متعرض آن می‌شدند.

و احتمال هم می‌رود که مندرج باشد در آن چه مطلق ذکر کرده‌اند که بر نائب واجب است که همان نوع حجی که در صیغه معین شده است به جا آورد.

نگویی که مفروض آن است که اتیان به نوع تمتع به جهت ضیق وقت ممکن نیست، پس چگونه حکم می‌شود که باید آن را به جا آورد؟ و در سالی دیگر در وقتی می‌تواند به جا آورد که صیغه شامل آن هم باشد، و ما فرض می‌کنیم که همان یک سال صیغه گفته باشد یا در مجموع دو سال مثلاً وقت تنگ شود و قائل به فرقی نیست زیرا که ممکن است که گفته شود که حکم آن مثل کسی است که اصلاً از حج متمکن نشود، پس عمل را به جا نیاورده خواهد بود، به هر حال ظاهر آن است که حج نائب مذکور صحیح و مجزی باشد.

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۱

و به جهت بیان این مطلب می‌گوییم که: اگر چه بنا بر آن چه مذکور شد این شخص اجیر است که عمل معینی را که حج تمتع باشد به جا بیاورد و مقتضای این عقد آن است که همان عمل را به جا بیاورد و اصل عدم اجزاء عمل دیگر است، و عدم قائم شدن عمل دیگر مقام آن، و اصل عدم استحقاق اجیر است اجرت را، و شکی نیست که به صیغه همان عمل معین که حج تمتع باشد بر اجیر واجب شده و لیکن دلیل مخرج از اصل موجود است.

و قبل از ذکر دلیل می‌گوییم که: شک و شبهه نیست که اشتغال ذمه اجیر به عمل معینی که در صیغه اجاره ذکر شده و خوب اتیان به آن عمل به فرموده شارع است که بعد از اجراء صیغه آن عمل بر اجیر واجب می‌شود، پس اگر در موضع معینی شارع حکم بفرماید که در فلان صورت و خوب از ذمه اجیر ساقط می‌شود یا فلان عمل قائم مقام آن عمل معین می‌شود یا هر گاه فلان عمل را بکند مجزی است البته حکم می‌شود به براءت ذمه اجیر بعد از تحقق آن عمل، اگر چه آن عمل معین در صیغه نباشد.

هر گاه این معلوم شد می‌گوییم: اگر چه به صیغه استیجار حج تمتع، حج تمتع بر اجیر واجب شد، و لیکن در اخبار بسیار عام یا مطلق وارد شده که هر کس که تمتع بر او واجب باشد و وقت بر او تنگ شود یا عذر رو بدهد که نتواند اتیان به حج تمتع نماید حج افراد کند و حج افراد او را کفایت می‌کند و مجزی است.

از آن جمله در حدیث صحیح است: عن الرجل یكون فی یوم عرفه بینه و بین مکة ثلاثة أمیال و هو متمتع بالعمرة إلى الحج؟ فقال: یقطع التلبیة [تلبیة المتع] و یهل بالحج بالتلبیة إذا صلی الفجر و یمضی إلى عرفات، فیقف مع الناس و یقضی جمیع المناسک و یقیم بمكة حتى یقضی (یعتمر) عمرة المحرم و لا شیء علیه. «۱» و نزدیک به این مضمون احادیث بسیار است، و شکی نیست که این حدیث شامل نائب متمتع نیز هست، پس باید او نیز چنین کند و چون اتیان مأمور به مقتضی اجزاء است پس عمل او مجزی خواهد بود از حج تمتع و ذمه او بری خواهد بود.

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۲

و سخنی که در اینجا توهم می‌تواند شد دو چیز است: یکی این که این اخبار معارضند به ادله و خوب عمل معین بر اجیر.

و جواب آن این است که دلیل بر وجوب آن یا اجماع است و تحقق اجماع در مثل ما نحن فیه معلوم نشده، خلاصه قدر مسلم از اجماع جایی است که دلیل خاصی یا عامی یا مطلق بر اجزاء فعل دیگر و قائم شدن آن مقام آن عمل معین نرسیده باشد، و اما در چنین جایی ظاهراً اجماع بر اجزاء است.

یا دلیل مثل: أوفوا بالعقود است، و ما می‌گوییم که اتیان به آن چه دلیلی بر اجزاء آن باشد آن نیز وفای به عقد است، علاوه بر این که اخبار عدول نسبت به این آیه و مثل آن خاص هستند و خاص بر عام مقدم است.

یا دلیل بر آن این است که مقتضای لزوم عقد اجاره وجوب اتیان به عمل معین است و ما می‌گوییم: در چنین موضعی مسلم نیست که وجوب اتیان به همان عمل مقتضای عقد اجاره باشد، بلکه مقتضای آن اتیان به آن عمل یا آن چه شارع قائم مقام آن کرده باشد هست، و دلیلی بر لزوم اتیان به همان عمل معین مطلقاً که اخص از اخبار عدول باشد مطلقاً اومن وجه به نظر حقیر نرسیده.

و سخن دوم این که حج اصالت اغلب از حج نیابت است و شیوع آن اکثر است و مطلق بلکه عام نزد بعضی نیز منحصر به فرد شایع غالب می‌شود.

و جواب آن این است که مطلق غلبه باعث حمل مطلق یا عام بر غالب نمی‌شود، بلکه شرط است که غلبه به حدی باشد که آن فرد غالب از آن لفظ ظاهر باشد و به ذهن رسد، و چنین غلبه در ما نحن فیه ممنوع است، نمی‌بینی که هر گاه شخصی بگوید که: من امسال حج کردم و قرینه نباشد متبادر حج اصلی نیست؟ این حال این زمان است و از کجا که در زمان شارع این قدر غلبه هم از برای حاج اصلی بوده؟ و حال این که اخبار بسیار در سؤال از حال اجیر و نائب وارد شده، بلکه غلبه حاج اصلی در آن زمان کمتر از این زمان هم بوده.

خلاصه این که: بر فرض تسلیم شیوع مفید در این زمان اگر مراد شیوع استعمالی است اصل آن است که در زمان شارع نبوده باشد، به جهت این که این شیوع امری

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۳

است حادث واصل تأخر آن است و اگر مراد شیوع وجودی است هیچ یک از شیوع و عدم شیوع هیچ یک از فردین مقتضای اصل نیست پس شیوع مفید هیچ یک معلوم نیست، پس عمومات اخبار بر حال خود باقی هستند.

و بعضی وجوه دیگر هست که در این مقام مناسب استدلال بر صحت حج نائب و اجزاء آن هست و لیکن خدشه‌ای در آنها می‌توان نمود، مثل این که می‌گویند که: اجیر چون نائب شخصی است حکم آن البته مثل حکم آن شخص است و آن شخص خود هر گاه می‌بود در ضیق وقت باید حج افراد به جا می‌آورد پس همچنین است نائب آن.

و مثل این که بگویند که: شکی نیست که هر عمل معینی که متعلق اجاره می‌شود احکام و لوازم عقلیه و شرعیه و عرفیه نیز تابع آن است، یعنی آنها نیز بر آن عمل مترتب می‌شود، پس هر گاه عملی متعلق اجاره شود البته باید لوازم و احکام آن نیز به عمل آید و اجماع قطعی بر این مطلب ثابت است، مثلاً هر که اجیر می‌شود که نماز کند بر او لازم می‌شود احکام نماز از سجده سهو و نماز احتیاط در مواضعی که احتیاج به آنها شود و همچنین احکام شک و سهو، و همچنین هر گاه آن نماز را به جماعت کند از او ساقط می‌شود قرائت، و لازم می‌شود بر او متابعت امام، و همچنین در حج در حالت احرام هر گاه مثلاً متضرر شود به کشف رأس جائز می‌شود پوشانیدن سر، و لازم می‌شود کفاره هم چنین، و شک در این نیست که از احکام حج تمتع است انتقال به حج افراد در حالت اضطرار، پس باید جائز باشد و معجزی باشد، و این دلیل به فی الجمله التفاتی صلاحیت تمام شدن دارد.

و مخفی نماند که آن چه ذکر شد از ترجیح اجزاء عدول به افراد از عمل نائب و براءت ذمه او آن است که مدتی قبل از این قلمی شده، و آن چه حال در نظر حقیر اقوی است آن است که معجزی نباشد، مگر این که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد که وجه آن مستوفی در مبحث صلاة اجاره مستند الشیعه «۱» بیان شده.



و اما آن چه ذکر شده که عموم اخبار دلالت بر اجزاء می‌کند، پس محلّ نظر است، زیرا که مستفاد از صحیح مذکور و آن چه به مضمون آن است بیش از این نیست که  
رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۴

متمّع هر گاه وقت بر او تنگ شود باید عدول به افراد کند و چیزی از این حیث بر او نیست، و این مسلم است، و ما نیز قائلیم و لکن دلالت بر آن ندارد که عملی را که حسب الاجاره باید به جا آورد به جا آورده، و مستحق وجه اجاره شد و اصلاً دلالت بر این ندارد و از این جا معلوم می‌شود که هر گاه کسی وصیت کند به استیجار حج، وصی نمی‌تواند شرط کند با مستأجر که با تنگی وقت عدول به حج افراد کند، چه این چنین اذنی از وصیت مستفاد نمی‌شود، بلکه ظاهر از آن حج تمتع است و شرط عدول به افراد خلاف مقتضای وصیت است. و الله العالم.

## س ۲:

### [۱]

اشخاصی که طواف نساء را بعمل نمی‌آورند از قبیل سنّی و غیره، بعد از به جا آوردن حج و طواف اگر اولادی از آنها بشود حلال زاده است یا حرام‌زاده؟

ج:

هر گاه عمداً طواف نساء را ترک کرده باشند با علم به وجوب آن پس اگر بعد از آن زنی بگیرند نکاح باطل است و با علم به فساد نکاح اولادی که هم می‌رسد حرام‌زاده است و اگر زنی داشته باشد یعنی سابق بر احرام عقد کرده باشند و طواف نساء ترک شده عمداً با او مجامعت نماید و اولادی حاصل شود، شکّی نیست که فعل حرامی کرده و لیکن حکم به حرام‌زادگی ولد معلوم نیست، هم چنان که در حالت حیض یا کسی که نذر کند که جماع نکند در فلان روز و جماع کند و اولادی حاصل شود فعل حرام کرده اما ولد حرام‌زاده نیست و اگر ترک طواف نساء عمداً باشد اما از راه جهل به مساله باشد و بعد زنی بگیرد و ولدی هم رسد آن ولد، ولد شبهه خواهد بود.

### [۲]

چه می‌فرمایید در خصوص ما اشخاصی که نمی‌توانیم به مکه برویم و خود می‌دانیم که ممکن نیست آیا می‌توانیم نائب تعیین کرده به مکه بفرستیم یا نه؟ حقّ از گردن ما برمی‌خیزد یا نه؟

ج:

معدورین از رفتن به حج نائب می‌توانند بگیرند یعنی جائز است مطلقاً، و لیکن اگر مایوس از متمکن شدن حج باشند در ایام حیات یعنی امید نداشته باشند که وقتی توانند به حج بروند، مثل پیر و امانده یا مریض مزمنی که امید رفع مرض

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۵

نداشته باشد نائب گرفتن او واجب است و به حجّ نائب حجّ از او ساقط می‌شود و اما اگر امید داشته باشد که وقتی مکه رفتن او ممکن باشد حج ساقط نمی‌شود، بلکه باید بعد از تمکن خود حج کند و این حجّ نیابت گرفتن بر او واجب نیست بلکه سنّت است و آن چه مذکور شد در وقتی است که یک زمانی مستطیع شده باشد، یعنی مال به قدر رفتن به مکه از برای او باشد و راه او مفتوح باشد و عذری نداشته باشد، اما مثل سرکار شما که تا امروز حجّ رفتن از برای شما میسر نبوده و عذر داشته‌اید، خواه امید درک حجّ

بعد از این را داشته باشید یا نه، حال نایب گرفتن بر شما واجب نیست، بلکه سنت است، و تا حال هنوز حج بر ذمه شما قرار نگرفته است.

#### س ۴:

هر گاه زید مستطیع به حج بوده باشد و به اعتبار عمی و شیخوخت و تلف مال عاجز از مسافرت گردیده و ملکی که به قیمت صد روپیه بوده باشد مصالحه کند با عمرو به مال المصالحه موازی یک روپیه مثلاً و اسقاط جمیع دعاوی و خیرات نماید، و شرط کند در ضمن مصالحه که تا مدت پنج سال هر وقت امینی مشرف به سفر مکه شود عمرو هفتاد روپیه پول به آن امین بدهد تا از برای زید استیجار حج میقاتی یا عمره نماید، و بعد از فوت استیجار دو سال صوم و صلاة از برای زید نماید، و بعد از یک سال زید از مصالحه مزبور نادم شود و عمرو نیز راضی به فسخ مصالحه بوده باشد و معلوم عمرو نیز باشد که هر گاه فسخ مصالحه نماید زید استیجار حج نخواهد نمود، و همچنین ورثه زید از برای او استیجار حج و صوم و صلاة نخواهند نمود، آیا هر گاه در این صورت عمرو فسخ کند عاصی و آثم خواهد بود یا نه؟ یعنی برائت ذمه او از استیجار حج و صوم و صلاة حاصل خواهد شد یا نه؟

ج:

منحصر نیست عقلاً یا شرعاً که باید استیجار حج یا صوم و صلاة را عمرو مذکور بنماید تا در فسخ صیغه مسطوره عصیانی باشد، اما حج را خود زید هم می‌تواند از همان ملک منفسخ یا راهی دیگر استیجار کند یا به گیری دیگر مصالحه کند، و فرض این که خود او این کارها را نخواهد کرد موجب عصیان فسخ مصالحه نمی‌شود، و نهایت امر این است که در ترک استیجار عاصی خواهد بود، و اما صوم و صلاة نیز همین حال را دارد به علاوه این که استیجار

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۶

صوم و صلاة، و جوب آن معلوم نیست. و الله سبحانه هو العالم بحقائق احکامه.

#### س ۵:

چه می‌فرمایید هر گاه کسی پیش از سعی صفا و مروه در حال عمره زنا یا لواطه یا با حیوانی جمع شود حکم جماع با زن یا کنیز خود دارد که عمره‌اش فاسد می‌شود یا نه؟

ج:

عمره مفرده به جماع با زن خود فاسد می‌شود و ظاهر آن است که جماع با کنیز خود نیز فاسد شود بلکه ظاهر آن است که به زنا نیز فاسد شود و اما در فساد آن به وطی با پسر یا جمع با بهیمه سابق بر این راجح فساد می‌دانستم و لیکن حال در نظر حقیر محل اشکال است و عدم فساد اظهر است و این در عمره مفرده است و اما عمره تمتع که ظاهر آن است که سؤال سرکار عالی از آن است پس مشهور میان علما آن است که به جماع با زن خود بلکه کنیز هم فاسد می‌شود و لیکن شیخ طایفه در تهذیب تخصیص فساد را به عمره مفرده داده «۱» و علامه در قواعد و بعضی دیگر اشکال در فساد عمره تمتع کرده‌اند و ظاهر مدارک و ذخیره و کفایه و شرح مفاتیح از متأخرین تردد است و ابن ابی عقیل در فساد مطلق عمره تردد نموده و دلیلی بر فساد عمره تمتع به جماع نمی‌بینم و دعاوی وفاق بر مطلق دلیل شرعی نیست و عدم فساد قوت دارد و این در مجامعت با زن و کنیز خود است اما در زنا و وطی غلام و بهیمه قول عدم فساد اظهر است و الله العالم.

#### س ۶:

بفرمایید که هر گاه پیش از سعی صفا و مروه در احرام عمره جماع نماید که عمره‌اش فاسد است آیا حجش صحیح است یا نه؟  
ج:

دانسته شد که عدم فساد به جماع در عمره تمتع قوت دارد بلی بنا بر قول به فساد ظاهر آن است که اگر وقت وسعت احرام به عمره تمتع و اتیان به افعال آن و حج را داشته باشد باید به جا بیاورد و حج او صحیح است و اگر وقت وسعت نداشته باشد حال که فساد حج را ظاهر می‌دانم و وجهی از برای عدول در این مقام حال در نظر ندارم و الله العالم.  
رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۷

### س ۷:

بفرمایید که هر گاه به سبب جماع پیش از سعی صفا و مروه عمره‌اش فاسد شد و باید از سر بگیرد آیا احرام را از آن میقاتی که بسته بود باید ببندد یا از هر میقات که نزدیکتر است یا از ادنی الحلّ یا در همان موضع که هست؟  
ج:

دانسته شد که اقرب عدم فساد است و بنا بر فساد ظاهر آن است که باید از میقات بلد خود احرام ببندد و با عدم امکان از هر میقات که ممکن شود و اگر نشود از ادنی الحلّ علی تأمل فیهِ و الله العالم.

### س ۸:

بفرمایید که هر گاه باید در صورت مفروضه که عمره‌اش فاسد است و باید از سر گیرد احرام را از میقات ببندد هر گاه وقت وسعت نداشته از ادنی الحلّ و هر گاه از آن هم تنگ‌تر باشد می‌تواند از همان موضع ببندد یا نه؟  
ج:

حال که راهی از برای صحّت این در نظر نیست و چون اصل فساد عمره را حقیر بی دلیل می‌دانم در این فروع چندان دقت مصرف ندارد و الله العالم.

### س ۹:

بفرمایید که در این صور که باید عمره را از سر بگیرد وقت اصلاً نداشته باشد چه کند همان عمره فاسده را تمام کند و احرام به حج ببندد یا آن را ترک کند و احرام بحج ببندد؟  
ج:

اتمام عمره فاسده وجهی ندارد و عدول بحج افراد هم در این مقام بی دلیل است و ظاهر با ضیق وقت از دست رفتن حج این سال است و الله العالم.

### س ۱۰:

بفرمایید که در صورت مفروضه که نتواند که عمره را از سر گیرد حجش صحیح است یا نه و هر گاه صحیح نباشد باید آن حج را به جا بیاورد یا نه؟  
ج:

جواب آن واضح شد و وجوب اتمام حج قبل از احرام به آن معلوم نیست و الله العالم.

## س ۱۱:

بفرمایید که در صورت مفروضه که نتوانست که عمره را از سر گیرد باید

رسائل و مسائل (للنراقی)، ص: ۲۱۸

بعد از حج بنا بر آن که حج صحیح باشد عمره مفرده بعمل آورد بعوض این عمره یا نه؟

ج:

دانسته شد که در اصل فساد عمره در صورت مذکوره کلام است.

## س ۱۲:

چه می‌فرمایند علماء امامیه و فقهاء اثنا عشریه در این مسأله شرعیه که با وجود استطاعت اجیر دیگری شده و بمکه مشرف شده چنین کسی اگر مناسک را به جهت شخص متوفی بعمل آورد صحیح است و حج از گردن متوفی ساقط می‌شود یا نه و اگر به جهت خود مناسک حج و عمره را بعمل آورد حج از ذمه او ساقط خواهد شد یا از برای خود اجیر هم در این صورت غیر مفید است و در هر دو حال آیا باید وصی میت ثانیاً بجهت میت استیجار حج نماید یا نه و وجهی را که به اجیر داده کلاً موجر می‌تواند استرداد کند یا بعض آن را می‌تواند بگیرد یا هیچ نباید مطالبه نماید بینوا توجروا.

ج:

هر گاه قبل از جریان عقد به نیابت مستطیع بوده و خود را به جهت همان سال اول به نیابت غیر اجیر کرده اجاره او فاسد است و آن چه برای متوفی بعمل آورده کفایت از حج متوفی نمی‌کند و باید وصی ثانیاً استیجار حج کند و بر اجیر است ردّ تمام وجه اجاره مگر این که مستأجر می‌دانست که این مستطیع است و اجاره آن فاسد است و با وجود این از مال خود وجهی داده باشد و عین آن وجه هم تلف شده باشد اما هر گاه عین باقی باشد یا مال میت باشد یا مستأجر عالم بر استطاعت یا مطلع به فساد اجاره مستطیع نبوده مطلقاً می‌تواند وجه را استرداد نماید و بعد از آن که اجیر به قصد غیر خود مناسک حج را به جا آورده باشد در عام استطاعت خود آیا کفایت از حج خود می‌کند یا نه تصریحی از فقهاء به این مسأله در این مقام بر نخورده‌ام و لیکن در مسأله صوم مثل این را متوجه (کذا) هستند و از قرار ترجیحی که من در آنجا داده‌ام و مقتضای قواعدی که قبول کرده‌ام این است که حج او از برای خود او کافی باشد و حج او صحیح است به جهت خود او مگر این که می‌دانست که حج به قصد غیر در این سال صحیح نیست و به قصد مخالفت حکم خدا عمداً قصد غیر را کرده باشد و الله العالم.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

